

---

---

## ابن سکیت<sup>۱</sup> دورقی اهوازی دکتر محمد علی شیخ

---

---

ابویوسف یعقوب بن اسحق معروف به ابن سکیت ایرانی تبار و از قریه دورق در ناحیه اهواز بود ابن سکیت در لغت و ادب و شعر جایگاهی والا داشت و به قرآن کریم عالم بود شهرت او در لغت بیش از نحو است. با اینکه ابن سکیت در علم نحو به مکتب کوفیان منتسب بود ولی در آن علم از بصریان نظیر ابو عبیده و اصمعی و ابوزید انصاری نیز روایت کرده است.

ابن سکیت در ادب از همگنان گوی سبقت ربود و افزون بر آن بهره‌ای وافر از سنت و دین داشت او شمع فروزنده‌ای بود که بزرگان علم لغت و صاحبان معجم پروانه‌وار گردش می‌گشتند، بهترین شاهد بر این امر چیزی است که بستانی در دائرة المعارف خود یاد کرده است: تألیفات ابن سکیت از امهات کتبی بشمارند که علماء لغت و صاحبان معجم‌های بزرگ مانند ابن منظور در «لسان العرب» و فیروز آبادی در «قاموس المحيط» به آنها استناد می‌جستند و عبدالرحمن همدانی در کتاب خود به نام «الالفاظ الکتائیة» بر کتاب «الالفاظ» او تکیه دارد.

سیوطی در «المزهر» بسیاری از اقوال او را نقل می‌کند حتی از برخی کتابهایش که به دست ما نرسیده‌اند روایت کرده است نکته شایان ذکر آنکه نبوغ لغوی و ادبی ابن سکیت به بسیاری از اندیشه‌ها و نوشته‌های ادباء با اختلاف

---

۱ - پدر او چون بسیار ساکت و خاموش بود به سکیت ملقب گردید. ر.ک

قال الغفر والجور

ان لا يحسن من قوم اتقوا بكنى الامثال وزاد في كماله الحسنة  
انما تحذوا اجنبيا اي ساقطت الله وانما تذا اكل الا ان تاي في  
وقوب ذوا اكل كسيرا القسرية وانما تذا جتفا ادا ان تذا على سيرة  
يسر واد بقتها الغفر وهر قسلة من تذا من تاسطر ق  
وانما علمت ليس بالظن انك اذا ذك مؤك التروقة وكر ل  
وانما لسان التروقه ما لم تكن ان حكما على مؤكرايه كد ل  
وانما ايضا مؤكراي اكل ان تذا وجلبتة نجله من اسنما تروقه  
تذا حنة نظرة ان الجسور على وادك برقاة وانما لسان التروقه  
ما لم تذا هو واد من نفسه وذا تذا تذا واد تذا ما جذا هو  
فما ان حكما تذا ما تذا على مؤكرايه التي سترها هو لانا لذا مؤكرايه  
اي كمال وذا جذا وذا جذا وذا جذا وذا جذا الذي يسر في كمال  
هو جذا الحسنة وذا مؤكرايه كمال الحسنة انما تذا الحسنة  
تذا جذا جذا تذا تذا الحسنة وذا مؤكرايه كمال الحسنة  
من مؤكرايه كمال الحسنة ما تذا له تذا تذا بها الحسنة اللبنة  
انما الحسنة وذا تذا تذا تذا تذا تذا تذا تذا تذا تذا  
لما تذا تذا تذا تذا تذا تذا تذا تذا تذا تذا تذا تذا  
تذا تذا تذا تذا تذا تذا تذا تذا تذا تذا تذا تذا تذا  
اي الحسنة وذا تذا تذا تذا تذا تذا تذا تذا تذا تذا تذا  
وذا تذا تذا تذا تذا تذا تذا تذا تذا تذا تذا تذا تذا  
تذا تذا تذا تذا تذا تذا تذا تذا تذا تذا تذا تذا تذا  
تذا تذا تذا تذا تذا تذا تذا تذا تذا تذا تذا تذا تذا

سرزمین و نژاد و مذهب تأثیری ژرف داشته تا به جایی که نام او جای ویژه‌ای را در بسیاری از آثار آنان بخود اختصاص داده است. کافی است در این باره به دائرة المعارف‌های مختلف اسلامی مراجعه کنیم. همچنین کتابهای ارزشمند و متنوعی جای گسترده‌ای را در کتابخانه‌های عمده جهان فرا گرفته‌اند.

علماء بزرگ شیعه مانند شیخ آقابزرگ تهرانی در الذریعه و سید محسن امین در اعیان الشیعه و نجاشی در الرجال خود و قاضی نورالله شوشتری در مجالس المؤمنین و والد معظم علامه شوشتری در قاموس الرجال و خوانساری در روضات الجنات و استرآبادی (میرزا محمد بن علی) در منهج المقال و دهخدا در لغت‌نامه و مدرس تبریزی در ریحانة الادب و نویسندگان نامه دانشوران در آن نامه و شیخ عباس قمی در هدیه الاحباب از این سکیت به تفصیل یاد کرده‌اند.

اهل سنت نیز آثار ابن سکیت را مورد تحقیق و بررسی قرار داده‌اند از آن جمله اند ابن خلکان دروفیات الاعیان و ابن الندیم در الفهرست و اسماعیل پاشا بغدادی (از علماء ترک) در دو کتاب خود ایضاح المکنون و هدیه العارفین و سامی در قاموس الاعلام و ابن انباری در نزهة الالباء و خیرالدین زرکلی در الاعلام و یاقوت حموی در ارشاد الاریب معروف به معجم الادباء و یافعی در مرآة الجنان و سیوطی در دو کتابش: بغیة الوعاة والمزهر و ابن عماد حنبلی در شدزات الذهب و سیرافی در « اخبار النحویین البصریین » و ابن اثیر در « الکامل فی التاریخ » و ابوالفداء در « المختصر فی اخبار البشر » و حاجی خلیفه در « کشف الظنون » و ابن تغری بردی در « النجوم الزاهرة » والدلجی در « الفلاکة والمفلوکین »

دانشمندان غیرمسلمان نیز به‌وی‌ عنایتی ویژه مبذول داشته‌اند، بهترین شاهد بر این مدعی چیزی است که جرجی زیدان در تاریخ آداب اللغة العربیة و لویس معلوف یسوعی در المنجد فی الاعلام و فؤاد بستانی در دائرة المعارف خود یاد کرده‌اند.

مستشرقان نیز به‌او اهتمامی خاص مصروف داشته‌اند، بروکلیمان در کتاب تاریخ الادب العربی و هفنز Haffner که کتاب القلب والابدال ابن سکیت را منتشر

ساخته به تفصیل از او سخن گفته‌اند. فزون بر آنچه یاد شد باید به دایرة المعارف‌های اسلامی که به زبان‌های مختلف تدوین یافته مراجعه کرد.

### مؤلفات ابن سکیت

ابن سکیت با تألیفات فراوان و ارزشمند خود در لغت و نحو و نقد شعر و تفسیر دواوین و سائر علوم زمان خویش کتابخانه‌های عظیم اسلامی را زیور بخشیده است، که از آن جمله‌اند:

۱- کتاب اصلاح المنطق: صاحب کشف الظنون (ج ۱، ص ۱۰۸) درباره‌اش

چنین می‌گوید:

شیخ ادیب یعقوب ابن سکیت لغوی متوفی به سال ۲۴۴ هـ را کتب مختصر و ممتعی است در ادب از اینرو ادباء در آنها به غور و بررسی پرداخته‌اند: ابوالعباس احمد بن محمد مریسی متوفی در حدود ۲۴۰ هـ به شرح اصلاح المنطق پرداخته و الفاظی را تحت عنوان فی الغریب بر آن افزوده است. ابومنصور محمد بن احمد ازهری هروی متوفی به سال ۳۷۰ هـ نیز اصلاح المنطق را شرح کرده است. ابوالبقاء عبدالله بن حسین عکبری متوفی به سال ۶۱۶ هـ آنرا به حروف تهجی تنظیم کرده است. ابومنصور محمد یوسف بن حسن سیرافی نحوی متوفی به سال ۳۸۵ هـ ایات اصلاح المنطق را شرح کرده است. و ابوعلی حسن بن مظفر نیشابوری متوفی به سال ۴۴۲ هـ اصلاح المنطق را مهذب ساخته است. و ابو زکریا یا یحیی بن علی بن خطیب تبریزی موفی به سال ۵۰۲ هـ اصلاح المنطق را تنقیح نموده و آنرا التهذیب نامیده است. و ابوالمکارم علی بن محمد نحوی متوفی به سال ۵۶۱ هـ و ناصرالدین عبدالسید مطرزی متوفی به سال ۶۱۰ هـ و عون‌الدین یحیی بن محمد بن هییره الوزیر آنرا تلخیص نموده‌اند.

### نسخه‌های خطی اصلاح المنطق

کتاب اصلاح المنطق را نسخی خطی است که در این کتابخانه‌ها به چشم

می‌خورند:

- ۱- کتابخانه بریل در لیدن بنا به نقل فهرست چاپی آن کتابخانه به سال ۱۸۸۹ م  
ص ۱۸۷
- ۲- کتابخانه آکادمی لیدن ص ۴۶، فهرست چاپی کتب خطی شرقی
- ۳- کتابخانه بودلیانا، ص ۲۱۳، ج ۲، فهرست چاپی کتب خطی عربی سال  
۱۸۳۵
- ۴- کتابخانه موزه بریتانیا در لندن، ص ۸۳۱، فهرست چاپی کتب خطی  
عربی، سال ۱۸۹۴
- ۵- کتابخانه اسکوریال، فهرست چاپی کتب خطی عربی، ص ۲۹، سال ۱۹۰۳ م
- ۶- کتابخانه کوپرلی استانبول، فهرست چاپی کتب خطی، ص ۱۳۰۷-۱۲۰۹  
و شماره ۳
- ۷- کتابخانه نور عثمانی استانبول، شماره ۴۶۹۲، فهرست چاپی
- ۸- کتابخانه خدیویه مصر، فهرست چاپ شده اش در قاهره، سال  
۱۳۰۶-۱۳۰۹، ج ۴ ص ۳۰۲
- ۹- دارالکتب المصریة بالقاهره، ج ۲ ص ۱۲ و فهرست چاپی، به سال  
۱۹۲۶-۱۹۳۴ م
- ۱۰- کتابخانه آصفیه حیدرآباد، فهرست چاپی کتب العربیة و الفارسیة و  
الاوردیة المخزونة فی مکتبة الاصفیة، سال ۱۳۳۳ هـ ج ۲ ص ۱۴۲۸ شماره ۱۵۲
- ۱۱- کتابخانه شهرداری اسکندریه مصر، فهرست چاپ شده اش، به سال  
۱۹۲۶-۱۹۲۹ م، شماره ۳

### برخی از چاپهای مختلف کتاب اصلاح المنطق

- ۱- اصلاح المنطق توسط دارالمعارف مصر سال ۱۹۴۹ م با شرح و تحقیقی از  
عبدالسلام محمد هارون و احمد محمد شاکر چاپ شده است.
- بخش اول اصلاح المنطق به سال ۱۳۲۵ هـ در مصر به چاپ رسیده است.
- مختصر جوامع اصلاح المنطق تألیف ابوالحسن بن زید بن رفاعه بن مسعود  
کاتب (صاحب کشف الظنون بر این کتاب دست نیافته است) می گویند

ابوالحسن بن زید معاصر ابن سکیت بوده است.

ر. ک تاریخ بغداد، ج ۸- ص ۴۵۰) و (لسان المیزان، ج ۲، ص ۵۰۶)

این مختصر در حیدرآباد به سال ۱۳۵۴ هـ- ۱۹۳۵ م به چاپ رسیده است.

مختصر دیگری از آن به دست است به نام (المنخل) که باز هم به دست صاحب

کشف الظنون نرسیده تألیف ابوالقاسم حسین بن علی بن حسین وزیر مغربی متوفی

به سال ۴۱۸ هـ

بنابر آنچه در ص ۶۰۵ فهرست چاپی کتابخانه اسکوریال آماده است این

کتاب را نسخه‌ای خطی است که در کتابخانه فیض الله افندی در ترکیه موجود

است و به شماره ۱۷۶۵ در فهرست چاپی آن کتابخانه مضبوط است.

۲- کتاب «الالفاظ» الف: نسخه‌ای خطی از آن در کتابخانه ملی پاریس

موجود است.

ر. ک فهرست «المخطوطات العربية» سال ۱۸۹۵، شماره ۴۲۳۲- پاریس

ب- کتابخانه القرویین، در شهر فارس، ر. ک شماره ۱۲۴۴ فهرست آن

کتابخانه لوئیس شیخویسوعی به چاپ این کتاب همت گماشت و چاپخانه

الکاتولیکیه در بیروت به سال ۱۸۹۵ تحت عنوان «تهذیب الالفاظ» آنرا به چاپ

رسانید.

این کتاب مشتمل بر حواشی چندی است از ابوز کریای تبریزی، یحیی بن علی

متوفی به سال ۵۰۲ هـ

۳- شرح دیوان خنساء

۴- دیوان عروة بن عبسی. این دیوان با شرح ابن سکیت در سال ۱۹۲۳ م در

قاهره به چاپ رسیده است. همچنین محمد بن ابی شنب در الجزائر به سال ۱۹۲۶ م

آنرا به چاپ رسانده است.

۵- شرح دیوان مزرد بن ضرار ذیبانی معاصر حطیثه شاعر که بروکلیمان آنرا

در کتاب تاریخ الادب العربی، ج ۱ ص ۱۷۰ و ج ۲ ص ۳۰۷ یاد کرده است.

۶- کتاب «القلب والابدال» نسخه‌ای خطی از آن در کتابخانه سلیم آغاز در

ترکیه موجود است که در فهرست چاپی آن کتابخانه، ص ۹۰۳ شماره ۲ سال

۱۳۱۰ هـ ضبط شده است. این کتاب راهفتر خاورشناس یاد شده ضمن مجموعه‌ای

موسوم به «الکنز اللغوی» به سال ۱۹۰۳ در مطبعه کاتولیکی بیروت به چاپ رسانده است.

۷- کتاب الاضداد، نسخه‌ای خطی از آن در کتابخانه عاشرافندی در استانبول موجود است و به طوری که در ص ۸۷۹ فهرست چاپی سال ۱۳۰۶ هـ آن قید گردیده هفتر با همکاری انتون صالحانی، آنرا ضمن مجموعه‌ای مشتمل بر سه رساله در مطبعه کاتولیکی بیروت به سال ۱۹۱۳ به چاپ رسانده است. آن سه رساله یکی «الاضداد» تألیف اصمعی و دیگری از آن ابوحاتم سجستانی و سومی نوشته ابن سکیت است.

۸- شرح قصیده عمارة بن عقیل، نسخه‌ای خطی از آن در کتابخانه خدیوی مصر موجود است و فهرست آن کتابخانه در قاهره به سال ۱۳۰۶-۱۳۰۹ هـ، در قاهره چاپ شده و در ص ۶۵۲ ج ۷ آنرا ضبط نموده است.

فؤادبستانی در دائرة المعارف خود، ج ۳، ص ۱۹۳ علاوه بر آنچه یاد شده این کتابها را برای ابن سکیت ذکر کرده است:

۹- کتاب فعل و افعال

۱۰- کتاب الابل

۱۱- کتاب السرج و اللجام

۱۲- کتاب الاجناس

۱۳- کتاب الوحوش

۱۴- کتاب الشجر والنبات

۱۵- کتاب السرقات الشعریه

۱۶- کتاب المذکر و المونث

۱۷- کتاب النوادر

۱۸- کتاب المثنی و المکنی و المبنی و المؤاخی

۱۹- کتاب الاصوات

۲۰- کتاب المقصور و الممدود

۲۱- کتاب معانی الشعر الکبیر

۲۲- کتاب الشعر الصغیر

۲۳- کتاب الايام واللیالی

ابن‌النذیم در الفهرست (ج ۱، ص ۷۲، ۷۳) این کتاب‌ها را به ابن‌سکیت نسبت داده است.

۲۴- تحلیل و تفسیر شعر ابی‌نواس که به‌ده صنف آنرا تقسیم کرده است.

۲۵- تحلیل و تفسیر شعر اعشی، میمون بن قیس، شاعر جاهلی که اسلام را درک کرده است.

خطیب بغدادی در خزانه‌الادب، ج ۱ ص ۳۷۷ و ج ۲ ص ۳۹۰

و سیوطی در المزهرة، ج ۱ ص ۲۴۵ و ۲۶۶ و ج ۲ ص ۱۴۸

و ابن‌سیده در المخصص، ج ۱ ص ۱۲ این کتاب را از آن ابن‌سکیت دانسته‌اند.

و ابن‌جنی شرحی بر این کتاب دارد. رجوع شود به کتاب الخصائص ابن‌جنی (ج ۱ ص ۲۶۴)

۲۶- تحلیل و تفسیر شعر جریر

۲۷- شرح و تحلیل شعر خطیبه، جرول بن اوس

۲۸- تحلیل و شرح شعر زهیر بن ابی سلمی

۲۹- تفسیر و تحلیل شعر طرفه ابن‌العبد. این کتاب را خطیب بغدادی در خزانه‌الادب، ج ۱ ص ۵۰۵ و ج ۴ ص ۱۳۹ یاد کرده است.

۳۰- شرح و تحلیل شعر لبید بن ربیع

۳۱- شرح و تحلیل شعر مهلهل (عدی بن ربیع)

۳۲- تحلیل و شرح شعر نابغه

۳۳- شرح و تحلیل شعر کمیت بن ثعلبه اسدی

ابن‌سکیت را تألیفات دیگری است که در سائر منابع و مآخذ آمده‌اند بدین

- ۳۴- کتاب الامثال. ابوالفرج اصفهانی در آغانی ج ۲۱، ص ۱۹، ۱ چاپ بولاق آنرا ذکر کرده است.
- ۳۵- کتاب ایبات المعانی، این کتاب را بغدادی در خزانه الادب، ج ۱ ص ۴۸۷ و ج ۲ ص ۳۰۱ نقل کرده است.
- ۳۶- کتاب الزبرج، ابن سیده در المخصص، ج ۱، ص ۱۲ این کتاب را به ابن سکیت نسبت داده است.
- ۳۷- کتاب الفرق ابو منصور جوالیقی اهوازی در کتاب المعرب من الکلام الاعجمی ص ۱۳۴ آنرا یاد کرده است.

#### گفتار برخی از دانشمندان درباره ابن سکیت

۱- یاقوت حموی در معجم الادباء، ج ۲۰، ص ۵۰ می گوید: ابن سکیت عالم به قرآن و نحو بر مذهب کوفیان بود و اعلم ناس به لغت و شعر به شمار می آمد او راوی ثقه ای است که پس از ابن اعرابی ویرا مانندی نیست. وی به «سرمن رای» رهسپار شد و در آنجا عبدالله بن یحیی بن خاقان به نزد متوکلش برد، متوکل تربیت دو فرزند خود را به او سپرد، و به رزق و روزی او افزود و به منادمتش فراخواند، ولی عبدالله بن عبدالعزیز ویرا از آن برحذر داشت، او گمان برد به وی حسد برده است، و دعوت متوکل را پذیرفت. روزی با متوکل بود که معتز و مؤید دو فرزند متوکل بیامدند، متوکل به او گفت: ای یعقوب این دو فرزندم به نزد تو محبوبترند یا حسین (ع) ابن سکیت از حسین به نحو شایسته یاد کرد ولی نسبت به فرزندان متوکل سکوت نمود و نیز می گویند: ابن سکیت به متوکل گفت قنبر خادم علی (ع) نزد من محبوبتر است از دو فرزندت- یعقوب شیعه گری خود را آشکار می ساخت- متوکل به غلامان ترک خود دستور داد زبان از کامش بیرون کشیده شکمش را دریدند و به خانه اش انتقال دادند، و اندکی بیش از یک روز زنده نماند و در روز دوشنبه ۲۵ ماه رجب سال ۲۴۳ هـ و گفته شده ۲۴۴ و به قولی ۲۴۶ هـ زندگی را بدرود گفت.

والد معظم (علامه شیخ شوشتری) در قاموس الرجال، ج ۹، ص ۳۵۹ افزون

بر آنچه نقل شد چنین می گوید: ابن سکیت نزد امام محمد تقی (ع) (ابو جعفر ثانی) و امام علی نقی (ابوالحسن) (ع) مقرب بود و از ابی جعفر (ع) مسائل و روایاتی را نقل نموده است.

متوکل ویرا به سبب تشیعیش به گونه‌ای که مشهور است به قتل رسانید ابن سکیت در علم عربیت و لغت موجه وثقه و مورد تصدیق بود هیچگونه طعنی براو وارد نیامده است.

ابن خلکان: دروفیات الاعیان می گوید: مبرد گفته است: کتابی از علماء بغداد بهتر از کتاب اصلاح المنطق ابن سکیت ندیدم. احمد بن محمد بن ابی شداد گفته است: از تنگدستی و گرفتاری خود به نزد ابن سکیت شکایت کردم گفت در این باره چیزی سروده‌ای؟ گفتم: خیر گفت من می‌سرایم.

نفسی تروم اموراً لست مدرکها مادمت احذر مایاتی به القدر  
لیس ارتحالك فی کسب الغنی سفراً لکن مقامک فی ضرّ هو السفر  
ابوالعابس ثعلب می گوید: ابن سکیت در انواع علوم دست داشت پدرش مردی صالح و از اصحاب ابی الحسن کسائی به شمار می‌آمد، عربیت را خوب می‌دانست... تا جائی که می‌گوید: اصحاب اتفاق دارند که بعد از ابن اعرابی کسی در لغت از ابن سکیت عالمتر نبود.

برخی از دانشمندان گفته‌اند: کتابی در لغت مثل اصلاح المنطق از جسر بغداد عبور داده نشده است. بدون شک اصلاح المنطق کتابی است نافع و بارور و جامع امهات مطالب لغت و در این باره کتابی همانندش شناخته نیست.

خطیب بغدادی در تاریخ بغداد می گوید: ابن سکیت اهل فضل و دین بود و در روایت ثقه، او با پدرش در مدینه السلام (بغداد) به تأدیب و تعلیم اشتغال داشت تا اینکه خویشتن را نیازمند کسب دانش دید و به فراگیری علم نحو پرداخت ابوالحسن موسی نقل می‌کند: در مجلس علی لحنانی بودم، او بر آن شد تا دو برابر ابن سکیت نوادری را املاء کند، روزی گفت: عرب می‌گوید: مثل استعان بذقنه. ابن سکیت که در آن هنگام جوان بود از جای برخاست و گفت: ای ابوالحسن عرب می‌گوید: مثل استعان بدفیه، می‌خواهند بگویند شتر وقتی خواست برخیزد بردو

پهلوی تکیه می کند، او املاء خویش قطع کرد. مجلس دوم که پیا شد لحيانی گفت عرب می گوید: هو جاری مکاشری. ابن سکیت برخاست و گفت: مکاشری یعنی چه، این مکاشری است، کسر بیته الی کسر بیته یعنی همسایه دیوار به دیوار است. لحيانی املاء خود را قطع کرد و از آن پس چیزی املاء نکرد.

علامه دهخدا در لغت نامه می گوید: ابویوسف یعقوب بن اسحق سکیت ایرانی خوزستانی اهوازی از مردم قریه دورق است، او در نحو بر پدر مقدم بود چنانکه سکیت در شعر بر او تقدم داشت. مولد او بغداد است و یعقوب پس از مجالست با بزرگان ائمه لغت عصر و استفادت از آنان به جمع و تصحیح لغات بیادیه میان قبائل عرب شد سپس چندی در بغداد و سامره به تدریس پرداخت و از اصحاب گسانی و در انواع علوم متصرف و یکی از امامان نحو بر مذهب کوفیان بود و متوکل خلیفه، تعلیم و تربیت دو فرزند خود معتز و مؤید به او محول داشت و او را پسری بود به نام یوسف که ندیمی معتضد خلیفه می کرد. یعقوب دوستدار اهل بیت بود و مذهب شیعه داشت، وقتی خلیفه از او پرسید حسنین را دوست تر داری یا دو فرزند مرا گفت من تو و فرزندان تو را با قنبر غلام علی (ع) برابر ندارم، متوکل بر آشفت و فرمان کرد تا زبان او از کام بیرون کردند و غلامان خلیفه او را به بدترین صورت بکشند...

وفات او به سال ۲۴۶ هجری قمری است.

دائرة المعارف بزرگ اسلامی در ج ۳ نسبت به قتل ابن سکیت به این نکته

ناگفته اشاره دارد:

بعید نیست که روایت قتل او (ابن سکیت) اندکی به افسانه نیز آمیخته باشد و علت واقعی همانا اختلافات مذهبی - سیاسی آن زمان، خاصه شیعه ستیزی متوکل بوده باشد. احتمالاً اجرای قتل وی نقشه ای بود که از پیش آنرا تدارک دیده بوده اند به خصوص که گویند بیدرنگ ده هزار درهم دیه او را به خانواده اش (ازهری، ۲۳/۱) پرداختند و نیز اشاره شده است که همیشه گروهی در پی تحریک متوکل برضد او بودند. (یغموری، ۳۲۰) در تاریخ مرگ او بین ۲۴۳ و ۲۴۴ و ۲۴۶ ق اختلاف است.

این بود نوشته‌ای کوتاه درباره مردی بزرگ که عمر در طریق کسب فضل و فضیلت سپرد و جان در راه باورهای خویش نهاد. روانش شاد و یادش گرمی باد.

### مأخذ مقاله

۱. اخبارالنحویین، ابوسعید سیرافی، چاپ الجزائر معهدالمباحث الشرقيه، سال ۱۹۳۶ م ج ۱، ص ۱۷۵
۲. الاعلام لاشهرالرجال و النساء من العرب و المستعربین و المستشرقین، تألیف خیرالدین زرکلی، چاپ دوم، چاپ دوستاتسوماسی و شرکاء سال ۱۳۷۳ هـ - ۱۹۵۴ م، ج ۹، ص ۲۵۵
۳. اعیان الشیعه، محسن امین عاملی، چاپ دارالمعارف، بیروت (بدون تاریخ) ج ۱۰، ص ۳۰۵
۴. الاغانی، ابوالفرج اصفهانی، چاپ بولاق، ۱۲۸۵ هـ، ج ۲۱، ص ۱۸۹
۵. ایضاح المکنون فی الذیل علی کشف الظنون، اسماعیل پاشا بغدادی، چاپ استانبول، ج ۱، سال ۱۳۶۴ هـ - ص ۹۴ و ج ۲ صفحات: ۱۲، ۲۶۱، ۲۷۱، ۲۷۳، ۲۷۶، ۲۷۷، ۲۹۰، ۳۰۲، ۳۱۸، ۳۲۰، ۳۲۸، ۳۳۰، ۳۳۵، ۳۴۲، ۳۴۵، ۳۴۸، ۵۰۷
۶. البدایه و النهایه فی التاریخ، ابن کثیر، چاپ مصر، سال ۱۳۵۱ هـ، ج ۱ ص ۳۴۶
۷. البدائع، علامه شیخ شوشتری، چاپ مکتبه الصدوق، تهران، سال ۱۳۶۳ هـ. ش ص ۳۶۷
۸. بغیة الوعاة فی طبقات اللغویین و النحاة، جلال‌الدین سیوطی، چاپ مصر، مطبعه السعاده، ص ۴۱۸
۹. تاریخ آداب اللغة العربیة، جرجی زهدان، چاپ دارالهلل مصر، سال ۱۹۵۷ م، ج ۲، ص ۱۳۶
۱۰. تاریخ الادب العربی، بروکلیمان، برگردانیده به زبان عربی، به قلم دکتر عبدالحلیم نجار، انتشار بخش فرهنگی جامعه دول عربی، چاپ دارالمعارف قاهره

- سال ۱۹۵۹ م، ج ۲، ص ۲۰۵
- ۱۱- تاریخ بغداد، خطیب بغدادی، چاپ السعادة مصر، سال ۱۳۴۹ هـ - ۱۹۳۱ م، ج ۱۴، ص ۲۷۳
- ۱۲- تنقیح المقال، شیخ عبدالله مامقانی، چاپ مرتضویه نجف اشرف، سال ۱۳۵۲ هـ - ج ۳، ص ۳۲۹
- ۱۳- خزانه الادب، عبدالقادر بن عمر بغدادی، چاپ مصر، سال ۱۲۹۹ هـ، ج ۱ ص ۳۷۷، ۴۸۷، ۵۰۵، ج ۲ ص ۳۰۱، ۳۱۰
- ۱۴- دائرة المعارف، فؤاد افرام بستانی، چاپ بیروت، چاپخانه کاتولیکیه سال ۱۹۵۶ م، ج ۲ ص ۱۹۱
- ۱۵- دائرة المعارف الاسلامیة، محمد بن ابی شنب، چاپ معهدالمباحث الشرقیة مصر سال ۱۹۳۶ م، ج ۱ ص ۲۰۰
- ۱۶- الذریعة الی تصانیف الشیعة، شیخ آقابزرگ تهرانی، چاپخانه الغری نجف اشرف، سال ۱۳۵۵ هـ / ۱۹۳۶ م، ج ۱، ص ۱۷۲، ج ۴، ص ۵۰۸
- ۱۷- الرجال، نجاشی (احمد بن علی) چاپ بمبئی، سال ۱۳۱۷ هـ، ص ۳۱۲، ۳۱۳
- ۱۸- روضات الجنات فی احوال العلماء والسادات، محمدباقر موسوی خوانساری چاپخانه حیدریه تهران، سال ۱۳۹۰ هـ، ج ۸، ص ۲۱۷
- ۱۹- ریحانة الادب، محمدعلی مدرس تبریزی، چاپ تهران، سال ۱۳۳۵ هـ. ش ج ۷، ص ۵۶۹
- ۲۰- شذرات الذهب، ابن عماد حنبلی، چاپ بیروت، ج ۲، ص ۱۰۶
- ۲۱- الفلاکة والمفلوکین، دلجی، چاپ مصر، سال ۱۳۲۲ هـ، ص ۱۳۶
- ۲۲- الفهرست، ابن الندیم، چاپ مصر، چاپخانه رحمانیه، سال ۱۳۵۶ هـ، ج ۱، ص ۷۲
- ۲۳- قاموس الاعلام، سامی چاپ استانبول، سال ۱۳۰۶ هـ، ج ۱ ص ۶۳۴
- ۲۴- قاموس الرجال، علامه شوشتری، چاپ <sup>اول</sup> تهران، ج ۹ ص ۳۵۹
- ۲۵- الکامل فی التاریخ، ابن اثیر، چاپ بیروت، سال ۱۳۸۵ هـ / ۱۹۶۵ م، ج

۷، ص ۸۴

۲۶- کشف الظنون عن اسامی الکتب والفنون، حاجی خلیفه چلبی چاپخانه معارف استانبول، سال ۱۹۴۱ م، ج ۱، ص ۱۰۸، ۲۶۴، ۳۵۵، ۷-۵- ج ۲، ص ۱۳۸۵، ۱۴۰۶، ۲۰۰۹

۲۷- لغت نامه دهخدا، ج ۱، ص ۳۱۹

۲۸- مجالس المؤمنین، قاضی نورالله شوشتری، چاپخانه اسلامیہ تهران، سال ۱۳۳۵ هـ، ج ۱، ص ۵۵۵

۲۹- المختصر فی اخبار البشر، ابوالفداء، چاپ مصر، سال ۱۳۲۵ هـ، ج ۲، ص ۴۲

۳۰- المخصص، ابن سیده، چاپ قاهره سال ۱۳۱۶-۱۳۲۱ هـ، ج ۱، ص ۱۲

۳۱- مرآة الجنان، عبدالله بن اسعد، چاپ مؤسسه اعلمی بیروت، سال ۱۳۹۰ هـ ج ۲، ص ۱۴۷

۳۲- المزهرة، جلال الدین سیوطی، چاپخانه داراحیاء الکتب بیروت ج ۱، ص ۵۱، ۵۸، ۱۳۰، ۱۶۱، ۳۱۸، ۳۱۹، ۴۱۱، ۴۴۰، ۴۶۰، ۴۶۲، ۴۷۵، ۴۷۶، ۴۸۳، ۵۰۹، ۵۱۶، ۵۱۹، ۵۲۴، ۵۲۹، ۵۳۰، ۵۳۱، ۵۳۳، ۵۳۷، ۵۵۹، ۵۶۰، ۵۶۴، ۵۶۵، ۵۶۶، ۵۶۷، ج ۲، ص ۱۱، ۴۸، ۵۱، ۶۰، ۶۴، ۷۱، ۷۵، ۸۱، ۸۸، ۱۰۱، ۱۰۲، ۱۰۴، ۱۰۵، ۱۰۶، ۱۰۸، ۱۲۷، ۱۳۳، ۱۳۴، ۱۵۳، ۱۵۴، ۱۵۷، ۱۶۰، ۱۶۴، ۱۷۳، ۱۸۵، ۱۹۱، ۲۰۴، ۲۰۵، ۲۱۶، ۲۳۵، ۲۶۱، ۲۷۹، ۲۹۰، ۲۹۲، ۲۹۶، ۳۵۴، ۳۶۲، ۳۸۱، ۴۱۱، ۴۱۲، ۴۲۰، ۴۲۷، ۴۶۴

۳۳- معجم الادباء، یاقوت حموی، چاپخانه حلبی و شرکاء، مصر، سال ۱۳۵۵ هـ / ۱۹۳۶ م، ج ۲، ص ۵

۳۴- المغرب من الکلام الاعجمی، ابومنصور جوالبقی اهوازی، چاپ تهران سال ۱۹۶۶ م، ص ۱۳۴

۳۵- مقدمه کتاب اصلاح المنطق، ابن سکیت، چاپ قاهره، سال ۱۹۴۹ م، به قلم عبدالسلام محمد هارون (هرون)

۳۶- منهج المقال معروف به الرجال الکبیر، محمد بن علی استرآبادی، چاپ

تهران سال ۱۳۰۴ هـ، ص ۳۷۴

۳۷- نامه دانشوران ناصری، چاپ قم، سال ۱۳۳۸ هـ، ج ۲، ص ۲۵۲

۳۸- النجوم الزاهرة، ابن تغری بردی، چاپخانه تجاری طبع و نشر، بیروت ج

۲، ص ۳۱۷

۳۹- نزهة الالباء، ابوالبركات معروف به ابن انباری، چاپ مصر سال ۱۲۹۴

هـ، ص ۲۳۸.

۴۰- هدیة الاحباب، شیخ عباس قمی، انتشارات امیر کبیر، تهران، سال ۱۳۶۳

هـ، ص ۶۳.

۴۱- هدیة العارفين، اسماعیل پاشا بغدادی، چاپ استانبول، سال ۱۹۵۱ م، ج

۲، ص ۵۳۶

۴۲- وفيات الاعیان، ابن خلکان، چاپ بولاق، سال ۱۲۹۹ هـ، ص ۴۰۸، ۴۱۱

۴۳- دائرة المعارف بزرگ اسلامی، ج ۳، چاپ اول، تهران